



۱۰

«کار، کار انگلیسی‌هاست» کار خود انگلیسی‌هاست؟



۱۱

انگلیسی‌ها آرامش را از ایرانی‌ها گرفتند



۱۲

ادعاهای روزهای اخیر علیه شهید نواب صفوی و جمعیت فداییان اسلام را در گفت‌وگو با آیت‌ا... سیدهادی خسروشاهی بررسی کرده‌ایم

افسانه‌سازی علیه فداییان

تذکر هفته

فقط شریعتی را می‌شناسند

به گزارش جام جم، علیرضا کمیلی، فعال حوزه بین‌الملل در ششمین نشست مدافعان فرهنگی حرم با انتقاد به غیرتخصصی بودن فعالیت‌هایی که در حوزه بین‌الملل انجام می‌شود، گفت: به تعبیر رهبری کار فرهنگی یک کار دقیق هوشمندانه است. باید کسی که نسبت به آن ورود می‌کند ظرافت‌های کار را ببیند.

وی افزود: نباید با یک فهم‌های عمومی از مساله وارد کار شد و متاسفانه این اتفاقات منجر به اُفت کیفیت کار شده است. مثلا طرف در کرمان کار جهادی می‌کرده فکر می‌کند همین کار را در حلب هم می‌شود انجام داد یا همان کار تربیتی که در تهران انجام داده‌اند را می‌خواهند در سوریه اجرا کنند؛ هیچ تفاوتی برای محیط و فضا قائل نیستند.

وی با گلایه از نبود محصولات رسانه‌ای در راستای پاسخگویی به شبهات گفت: ما هنوز هیچ مستندی برای پاسخگویی به سوال ذهن مخاطب جهانی نداریم. اما هزاران مستند در زمینه مدافعان حرم برای مصرف داخلی و نهایتا برای مصرف در فضای شیعی تولید کردیم. یکی از نهادها ۴۰ موضوع کاری استخراج کرده بود. موضوعاتی که هیچ‌کدام به مخاطب اهل سنت سوریه ربطی نداشت. پیش فرض‌شان این بود که بیاییم اقداماتی انجام بدهیم که شیعیان سوری در انزوا نباشند. گفتم مثل این است که بخواهی در ایران زرتشتیان را به قدرت برسانی!

کمیلی با بیان این‌که مردم سوریه مردم به‌شدت فرهنگی هستند، افزود: این یعنی ادب و هنر و فکر و اندیشه در سال‌های متمادی در سوریه وجود داشته است. یعنی جریان قومی عربی یک پشتوانه بزرگ و بلند فکری و هنری داشته و دارد و فضای فکر و اندیشه همچنان موجود است. جریان اسلامگرا به دلیل نگاه حاکم خیلی اندیشمند و متفکر ندارد. وی با بیان این‌که در هیچ کجای جهان اسلام، هیچ کس به‌جز شریعتی از ایران شناخته شده نیست، تاکید کرد: گفتمان انقلاب اسلامی با همان صراحتی که در ایران وجود دارد مستقیما در سوریه قابل‌طرح نیست. واگرایی‌های بعضی از قسمت‌ها می‌تواند حساسیت‌هایی را ایجاد کند. باید برویم به سمت گفتمان در فضای فرهنگی و امت اسلام. ما تجربه کارهای خیریه در سوریه داشتیم و همچنان داریم. مجموعه «انفاق» تنها خیریه‌ای است که در فضای بین‌الملل در حال فعالیت است و با سوری‌ها و فلسطینی‌ها همکاری می‌کند و به این جنس کارها نیاز داریم. کمیلی افزود: با توسعه این رفت‌وآمدها و حضور اجتماعی ما در سوریه می‌توان باب گفت‌وگو و مفاهمه و رفع شبهات را باز کرد. بخشی از بدنه سوریه آواره‌شده و ما را در این مساله مقصر می‌داند ولی یک بخشی از آنها جنس متفاوت ایرانی‌ها را احساس کرده‌اند. تعاملات اجتماعی ما می‌تواند تکمیل‌کننده این شناخت مردم سوریه از ایران باشد.

دیوارنگاره میدان ولی‌عصر (عج) از بزرگ‌ترین بیلبوردهای شهری تهران است

پویا سرابی، ایده‌پرداز دیوارنگاره محرمی میدان ولی‌عصر به واکاوی این طرح تاثیرگذار پرداخت

روضه‌ای وسط شهر

به میدان ولی‌عصر تهران که برسی، می‌توانی بایستی و یک دل سیر تماشایش کنی. آن هم در حال و هوای این روزها که شهر جامه سیاه پوشیده و در حال و هوای ماه محرم و عزاداری امام حسین(ع) است. دیوارنگاره تازه این میدان هم حال و هوای عاشورایی دارد.

دیوارنگاره مثل همیشه کاری است در ابعاد بزرگ و اجزای بسیاری هم دارد، اما آنچه میان کار و در نقطه مرکزی توجه‌ها را به خود جلب می‌کند حضور یک زن و کودک است. هر دو چادر سیاه دارند، رو به میدان جنگ ایستاده‌اند و زنان دیگری هم با کمی فاصله پشت سر آنها قرار گرفته‌اند. همه با هم به روبه‌رویشان خیره شده‌اند. با این تفاوت که زن و دخترک میان تیرها، نیزه‌ها و کلاهخودهای بر زمین افتاده که صاحبانشان دیگر شهید شده‌اند، ایستاده و انبوه سپاهی را نگاه می‌کنند که مقابلشان قد علم کرده است. آنها اما پرچم سبزی را نگه داشته‌اند؛ پرچمی که مردان بسیاری از جانشان گذشته‌اند تا افراشته بماند. شیرزن کربلا حضرت زینب(س) و رقیه دختر کوچک امام حسین(ع) میان میدان ایستاده‌اند و پرچم را به کمک هم نگه داشته‌اند؛ پرچمی که بعدتر می‌رسد به دست دیگرانی که جان می‌دهند و پرچم نمی‌دهند. گوشه طرح سمت راست به خط خوش نوشته شده «قسم به دست‌های عمو علم نمی‌افتد» و پایین آن هم #در_لشکر_حسینیم.



زینب مرتضایی‌فرد
فرهنگ و هنر

پویا سرابی، ایده‌پرداز این دیوارنگاره است. او در طراحی و ایده‌پردازی دیوارنگاره‌های گذشته هم حضور و همکاری پررنگی داشته است. او به جام جم می‌گوید: این کار یک بخش ایده‌پردازی داشته که به‌طور انفرادی انجام شده و بعد همه اعضای گروه با یکدیگر روی آن کار کرده و اثری که ارائه شده را خلق کرده‌اند.

سرابی درباره ایده‌پردازی این دیوارنگاره تازه این‌طور توضیح می‌دهد: سعی کردم ابتدا در ذهنم یک فضای روضه‌مانندی ایجاد کنم، چون احساس می‌کردم اگر فضایی را خلق کنم که خودم از آن متاثر شوم و حالت غمی به من دست دهد، کار می‌تواند بر دیگران هم تاثیر بگذارد.

او ادامه می‌دهد: این شد که تصمیم گرفتم واقعه را از نگاه کودک سه ساله امام حسین(ع) روایت کنم. کودکی که غم و مصیبت دیده اما هنوز می‌خواهد پرچم را برافراشته نگه دارد. طی همین فکرها بود که اول شعر درج شده روی دیوارنگاره را برای کار گفتم و «قسم به دست‌های عمو علم نمی‌افتد» برای ادامه کار کمکم کرده و به من ایده خلق بقیه فضا را داد. با خودم گفتم پس باید دختری باشد که پرچم را نگه‌داشته باشد.

سرابی در ادامه فکرهایش برای ایده‌پردازی کار به این نتیجه می‌رسد که دختر سه ساله نمی‌تواند تنهایی پرچم را نگه دارد، پس باید یکی کنارش بایستد و کمکش کند. او می‌گوید: محوریت بسیاری از وقایع در عاشورای پس از شهادت امام حسین(ع) با حضرت زینب(س) بوده است. پس ایشان بهترین کسی بود که می‌توانست کنار دخترک بایستد و در نگهداشتن پرچم کمکش کند. به این ترتیب ترکیب‌بندی کار شکل گرفت.

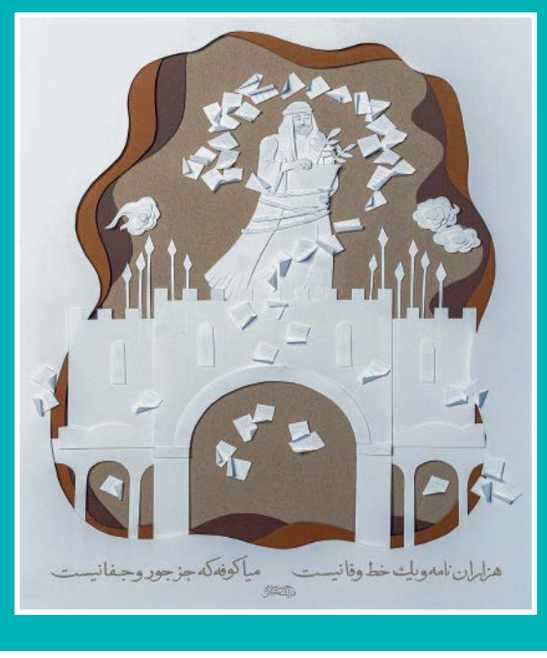
حضور پررنگ زنان در جبهه حق

زنان پشت سر حضرت زینب و حضرت رقیه هم بی‌دلیل گوشه کادر و درست پشت سر آنها نایستاده‌اند. آنها هم هر چند به ترکیب بندی اثر کمک کرده و حالت نیم‌دایره زیبایی را به این بخش از دیوارنگاره می‌دهند، اما حضورشان به گفته ایده‌پرداز اثر دلیل دیگری هم دارد. سرابی این‌طور توضیح می‌دهد: حضور زن‌ها در اثر این نکته را یادآوری می‌کند که زن‌ها هم همیشه یک پای کار بوده و در نگهداشتن پرچم به مردها کمک کرده‌اند. ضمن این‌که اشاره‌ای هم به موضوع مهم حجاب دارد، زنانی که چادرشان هم خود پرچم است و با حفظش هر کدام بیرقی را افراشته نگه داشته‌اند. هر چند مردها شهید شده‌اند، اما زن‌ها ایستاده‌اند. سرابی با ارائه این تصویر قصد داشته این را یادآوری کند که ما هنوز پای همین مسیر و راه، همین پرچم و خاندان اهل بیت ایستاده ایم. او می‌گوید: ما همچنان در حال جنگیم و داریم از حرم حضرت زینب دفاع می‌کنیم و برای این کار شهید می‌دهیم. در شعار پرچم هم واژه نمی‌افتد را آوردم تا به همین اشاره کنم که افراشته نگهداشتن پرچم، اتفاقی است که ما هنوز هم پایش ایستاده‌ایم. این هنرمند می‌افزاید: پرچمی را که در تصویر حضرت زینب نگه داشته‌اند، یک عده انسان در طول تاریخ جانشان را از دست داده‌اند و خواهند داد تا نیفتد و پابرجا بماند. خواستم در میدان رجز و روضه را تلفیق کنم و خاندانی را نشان دهم که غم دیده‌اند، اما پای اعتقادشان و حق ایستاده‌اند و ما هم دنباله‌رو و پیرو آنهاییم. ما هم همین حالت را داریم و مظلوم و مقتدریم. هم پای کار ایستاده‌ایم و هم غم‌دیده و مظلوم هستیم.

وقتی از سرابی می‌خواهم درباره تاثیر روضه‌ها بر روحیاتش و ورود آنها به کار توضیح دهد، می‌گوید ترجیح می‌دهم درباره کار صحبت کنم و به خودم نپردازم. وقتی اصرار می‌کنم تا کمی در این باره توضیح دهد، می‌گوید: پیروی از حضرات معصومین آتشی است که هرگز خاموش نمی‌شود و می‌شود درباره‌اش همان مصرع حافظ را گفت که آتشی که نمیرد همیشه در دل ماست. این آتش در دل ماست، جایی حسن روح‌الامین از دل آن بیرون می‌آید، یک جایی دیوارنگاره ما و دیگر آثار عاشورایی.

او اظهار می‌کند: اگر کسی دنبال ریشه این کارها باشد باید آن را در روضه‌ها و فرهنگ شیعه بیابد، نه در درون ما. چیز ویژه‌ای در من نیست، تنها آنچه اتفاق افتاده و از طریق فرهنگ شیعه با آن روبه‌روییم در ما منعکس می‌شود. توجه به سرمنشأ همیشه می‌تواند ما را به اراده آثار ارزشمندی در این زمینه برساند.

خانه طراحان انقلاب اسلامی که طراحی و اجرای دیوارنگاره های میدان ولی‌عصر را به عهده دارد، این روزها در کارگاه ۳ در ۴ که بخش جدید این خانه است، در حال طراحی پوسترهای مناسبتی زیبایی هم هست. پوسترهای زیر، حاصل طراحی همین کارگاه جدید بوده و همگی به مناسبت فرا رسیدن ایام محرم طراحی شده اند.







پشت صحنه

دعایی به حال بیابان کنید

عارضیم به حضور شما که حال و هوای جام جم حسابی محرمی و عاشورایی شده. برو بچه‌های خوش‌ذوق و خوش‌فکر روابط عمومی برداشته‌اند و دو کتل عزا جلوی در ورودی ساختمان نصب کرده‌اند. واقعیتش را بخواهید خیلی حال و هوای ساده و دلنشینی پیدا کرده. این به‌جز کتیبه‌هایی است که بعد از ورود به ساختمان، میزبان تماشای چشمان شما می‌شوند. رفقای صفحه آخر هم که سنگ تمام گذاشته‌اند و یک تکیه جمع و جور کوچک و مکتوب علم کرده‌اند تا به اندازه خودشان، نخودی در این آش داشته باشند و سهمی از عزای حضرت سیدالشهدا(ع). خلاصه که ما را هم در این شب‌ها و روزها از دعای خیرتان بی‌نصیب نگذارید.

و اما بعد... امروز یکی از آن روزهایی است که رگ وطن‌پرستی و ضداستعماری بچه‌های گروه حسابی بالا زده. اگر نیم‌نگاهی به تقویم داشته باشید تایید می‌فرمایید که دوازدهم شهریور روز ملی مبارزه با استعمار انگلیس و ملکه است. حالا درست است که همین چند وقت قبل بر و بچه‌های سپاه با توقیف نفتکش ملکه در خلیج فارس، حال دوقبضه و اساسی به ما دادند ولی این نافی آن نیست که به روز ملی مبارزه با استعمار انگلیس ادای دین نکنیم. ساناز قنبری خبرنگار سینمایی صفحات فرهنگی رفته سراغ مهدی صباغ‌زاده. کارگردانی که یک داستان ضدانگلیسی را از صد سال قبل و در منطقه بلوچستان روایت کرده. رفته سراغ او و راجع به کم‌لطفی سینما به بعضی حقایق تاریخی مثل سوءاستفاده‌های متعدد انگلیسی‌ها و دخالت‌شان در امور داخلی ما حرف زده. گفت‌وگوی قنبری را در صفحه ۱۱ بخوانید.

بچه‌های صفحه ۱۰ هم یک گزارش مبسوط رفته‌اند از گزاره‌ای که حالا دیگر برای خیلی از ایرانی‌ها تبدیل به یک ضرب‌المثل شده. رفته‌اند دنبال این‌که بفهمند عبارت «کار، کار انگلیسی‌هاست» از کجا آمده و چرا اینقدر در افواه عمومی ایرانی‌ها جای خودش را باز کرده و تبدیل شده به یک ضرب‌المثل. خواندن این گزارش پر از جزئیات و جذاب را در صفحه بعد از دست ندهید.

در این صفحه هم زینب مرتضایی‌فرد که هنر و تجسمی و ادبیات را زیرتیول خود دارد رفته سراغ جدیدترین طرح دیوارنگاره میدان ولی‌عصر(عج) تهران. برو بچه‌های خانه طراحان برای این‌که حسابی حال و هوای شهر را محرمی کنند، جدیدترین طرح خودشان را به مناسبت محرم کلید زده و نصب کرده‌اند. مرتضایی‌فرد هم در همین صفحه رفته سراغ این طرح و یک گزارش خواندنی و جذاب تدارک دیده. این را هم از ندهید.

در نهایت جناب کائینی که با صفحات تاریخ چهارشنبه‌ها سر و کله‌اش در روزنامه پیدا می‌شود به بهانه اتهاماتی که اخیرا علیه شهید نواب صفوی مطرح شده، رفته سراغ سیدهادی خسروشاهی و ادعاهای مطرح شده را زیر تیغ نقد تاریخ گذاشته است.